

ژورنال

شماره ۹۵۷

۸ فوریه ۲۰۲۵ - ۲۰ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

پخشان باید زنده بماند. مرگ بر مرگ پرستان

جمیله میرکی

سومین مورد تعرض جنسی در آمبولانس

منظر دریاکناری

کنفرانس امنیتی مونیخ و هیاهوی رضا پهلوی

کیوان جاوید

دستمزد کارگران به همه جامعه مربوط است

سوال از اصغر کریمی

پخشان باید زنده بماند. مرگ بر مرگ پرستان

جمیله میرکی

با رد درخواست اعاده دادرسی پخشان عزیزی، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، او در معرض اجرای حکم جنایت کارانه اعدام قرار دارد.

ما می‌توانیم در برابر این جنایت قد علم کنیم. ما بسیاریم ما قوی هستیم ما در همه جهان نیرو داریم. ما در همه شهرهای ایران و در کردستان انقلابی یکپارچه آتش می‌شویم و رژیم اسلامی را عقب می‌رانیم و نمی‌گذاریم پخشان ما را اعدام کنند. اگر این نیروی عظیم جهانی به میدان بیاید، رژیم اسلامی عقب می‌نشیند.

طومار نیم میلیونی ما مردم برای نجات جان پخشانشان و اعتصاب عمومی گسترده در شهرهای کردستان در اوایل بهمن امسال و صدها اعتراض دیگر نشانه قدرت ما مردم در برابر جمهوری اسلامی است. این فشار را صدچندان کنیم و همه دولت‌های مدعی حقوق بشر را وادار کنیم نگذارند که عزیز ما، پخشانشان ما به دست جانیان اسلامی اعدام شود. باید با صدایی هر چه رساتر لغو فوری حکم اعدام پخشانشان عزیز را فریاد زد. پخشانشان باید بی قید و شرط آزاد شود.

جمهوری اسلامی در محاصره ما مردم گرفتار است و در فلج کامل قرار دارد و با توسل به اعدام می‌خواهد وحشت خود را پنهان کند. پخشانشان، این زن مبارز

به‌عنوان یک مددکار اجتماعی که زندگی خود را وقف محروم‌ترین انسان‌ها در کردستان سوریه کرده که در نبرد با داعش تن و روانی زخم‌دیده داشتند قرار است توسط داعش‌های حاکم بر ایران اعدام شود. در این لحظات سخت و دلهره‌آور ساعت‌ها باید از حرکت باز بایستند؛ سکوت شکسته شود؛ نظاره‌گری پایان یابد و تا دیر نشده صدچندان بیشتر از هر زمان دیگر با قدرتی که تا امروز رژیم اسلامی ندیده باشد، برای حفظ زندگی پخششان و وریشه و دیگر زندانیان در معرض اعدام به میدان بیاییم.

ما سرمان را هرگز پایین نمی‌اندازیم و تماشا نمی‌کنیم تا طناب دار به زندگی پخششان پایان دهد.

ما می‌جنگیم، کوتاه نمی‌آییم. ما در ادامه کارزار برای نجات جان پخشان و وریشه و ده‌ها زندانی در معرض اعدام می‌توانیم دست به اعتراض میلیونی بزنیم. ما به حکومت اسلامی هشدار می‌دهیم جهان را پیش چشمشان تیره و تار می‌کنیم اگر که جرئت کنند و پخشان را از ما بگیرند.

سومین مورد تعرض جنسی در آمبولانس

منظر دریاکناری

روزنامه شرق از تعرض جنسی به یک زن بیمار دیگر در آمبولانس خبر داده و نوشته است این سومین گزارش مربوط به آزار و تعرض جنسی در آمبولانس است که اخبار آنها در روزهای اخیر منتشر می‌شود.

روزنامه شرق روز پنجشنبه ۱۸ بهمن از قول پدر یک دختر نوشته بود: در شهریور ۱۴۰۱ در کرج مأمور اورژانس در آمبولانس "به دخترم آمپول بیهوشی زده و چون متوجه می‌شود دخترم عادت ماهانه است از طریق دهن با او نزدیکی می‌کند". روزنامه شرق نیز در وبسایت خبرآنلاین روز چهارشنبه ۱۷

بهمین از یک مورد تعرض جنسی در آمبولانس خبر داده و نوشته است: در حادثه‌ای که ۳۰ فروردین امسال رخ داد، مأمور اورژانس "در یکی از شهرهای شمالی" به زن بیمار تعرض جنسی کرده است.

طبعاً آن مردانی که دست به تجاوز جنسی می‌زنند خوب می‌دانند قربانی را باید در میان زنان پیدا کنند که هیچ پشت‌وپناه قانونی ندارند. چنین متجاوزینی بی‌شک باید محاکمه و پاسخگوی عمل جنایتکارانه خود باشند. اما به تصویر بزرگتر هم نگاه کنیم. وقتی یک حکومت بی‌وقفه تلاش می‌کند جامعه‌ای را از درون تهی کند و به قهقرا ببرد شنیدن چنین اخباری دور از انتظار نیست.

ما با یک حکومت بیمار جنسی، فاسد و تبه‌کار روبرو هستیم. درست مثل کارتل‌های مواد مخدر حرفه‌ای در دنیا که از راه فروش خطرناک‌ترین مواد مخدر و سازمان‌دادن باندهای فروش سکس و تجاوز به زنان و حتی کودکان ارتزاق می‌کنند.

با وجود چنین حکومتی جامعه مدام در معرض تهاجمات خطرناکی است که شنیدن هر یک از آنها می‌تواند انسان را وحشت‌زده یا ناامید کند. شاید به این فکر کنیم که این بشر قابل‌اصلاح نیست، شاید به این نتیجه برسیم که هر چه هست همین است و مقصر خودِ مردم‌اند که دست به چنین جنایتی می‌زنند. شاید‌های بسیاری را می‌توان ردیف کرد. اما یک چیز مسلم است. یک جامعه مرفه و خوشبخت

و برابر که احترام به انسان و انسانیت هدف اول و آخرش باشد هرگز در چنین شرایطی قرار نخواهد گرفت. حکومت اسلام در ایران نابودکننده انسان و انسانیت است.

دور از انتظار است که در فساد، انسانیت به بار بنشیند یا در لجنزار گل زیبای زندگی بروید. با این همه، امید برای تغییر صدای بلندی تری در ایران دارد. به این صدا گوش بسپاریم و برای ساختن جامعه انسانی بیش از این تلاش کنیم.

کنفرانس امنیتی مونیخ و هیاهوی رضا پهلوی

کیوان جاوید

“کنفرانس امنیتی مونیخ”، از سال ۱۹۶۳ در اوج “جنگ سرد” و رقابت دو بلوک غرب و شرق (آمریکا و شوروی سابق) در ماه فوریه تا امروز با شرکت بسیاری از مقامات حکومتی و غیر دولتی برگزار می‌شود.

اهمیت کنفرانس امسال و بر سر زبان افتادن آن در این روزها برای ایرانیان، خصوصاً در خارج به‌خاطر “دعوت از رضا پهلوی” و جنجال‌های بعد از آن است. در غیر این صورت کنفرانس امسال هم می‌آمد و می‌رفت و آنچه در رابطه با آن تصمیم گرفته

می شد همان سیاستی است که از قبل در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ شده است. سیاست دولت ترامپ و اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی پیش از کنفرانس امنیتی مونیخ به اطلاع عموم رسیده است.

بر خلاف ادعاهای پوچ رضا پهلوی بعنوان نماینده مردم، باید گفت این شخص هرگز صدای مردم ایران نبوده است. او می خواهد خود را بعنوان وکیل و وصی و نماینده مردم ایران جا بزند و در این مجمع جهانی از راه حل واقعی خود مبنی بر مهار انقلاب زن زندگی آزادی پرده برداری کند تا شاید مقبول نمایندگان حاضر در این مجمع جهانی شود.

هدف او این است که در حاشیه کنفرانس، به گوش سران دولت‌ها برساند که من آلترناتیو هستم؛ من می‌توانم رهبر دوره انتقالی باشم؛ من می‌توانم کاری کنم که در ایران انقلاب نشود و در عوض سپاه و بسیج و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و بخش قابل‌ملاحظه‌ای از دست‌اندرکاران این حکومت با کمترین دردسر به حکومت بعدی بپیوندند. رضا پهلوی آدمی نیست که سر سوزنی برای حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی و رهایی و آزادی و رفاه و برابری مردم اهمیت قائل باشد. این را سلطنت‌طلب‌ها طی این دو سال گذشته در خارج کشور بیشتر از هر زمان دیگر به خوبی نشان داده‌اند که در آرزوی احیای ساواک‌اند و قول سرکوب و زندان و حتی اعدام مخالفین سلطنت بعد از به‌اصطلاح به‌قدرت‌رسیدن

را می دهند. آرزویی عبث.

اگر رضا پهلوی کسی و کارهای بود باز می شد
گفت می رود و دو کلمه حرف حساب می زند. اما او
این کاره نیست او در بهترین حالت می تواند دنباله رو
فاشیستی چون ترامپ باشد که شمشیر روی
انسانیت کشیده است و معمار بزرگ پایمال کننده
حقوق مردم در آمریکا و همه جای جهان است.

دستمزد کارگران به همه جامعه مربوط است

سوال از اصغر کریمی

کیوان جاوید: اواخر هر سال شورای عالی کار حکومت حداقل دستمزد کارگران را تعیین می کند. آیا این تصمیم شامل همه کارگران، معلمان و پرستاران و همینطور بازنشستگان و غیره می شود؟

اصغر کریمی: آخر هر سال شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران را تعیین می کند. دستمزدی چند بار زیر خط فقر و فقط برای زنده ماندن. دستمزدی که بیشترین سود را برای سرمایه داران و انگل های جامعه و حکومتشان تضمین می کند. اما این تصمیم شامل فقط بخشی از طبقه کارگر می شود. حقوق

کارگرانی که مشمول قانون کار نیستند توسط وزارت کار، معلمان ارگانی دیگر، بازنشستگان و کارکنان ادارات هم توسط ارگان‌هایی دیگر تعیین می‌شود. کادر درمان بخش دولتی توسط شورایی عالی کار و غیر دولتی توسط روسای بیمارستان‌ها می‌بینید که هر بخش طبقه کارگر را با اسامی مختلفی تکه تکه کرده‌اند که همه آنها با یک ارگان طرف حساب نباشند و هر بخش جداگانه برای افزایش حقوق خود دست به اعتراض بزند.

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، حداقل حقوق کارمندان دولت قرار است به ۱۲ میلیون، کارگران مشمول قانون کار ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار، کارگرانی که مشمول قانون کار نیستند ۷ و نیم میلیون،

معلمان ۲۰ میلیون و بازنشستگان به ۱۱ میلیون و ۷۰۰ برسد. کادر درمان هم ۸ تا ۹ میلیون. این حقوق‌ها هنوز قطعی نشده اما نهایتاً چیزی در همین حدود خواهد بود و این در حالی است که آمارهای رسمی می‌گویند سبد معیشت ۳۰ میلیون تومان است و این تازه آمار دو ماه قبل است الان با توجه به تورم به میزان زیادی بالاتر از این رقم است. یعنی اگر حقوق‌ها ۳۰ میلیون باشد کارگر با پایین‌ترین سطح زندگی هم نمی‌تواند ادامه حیات بدهد.

کیوان جاوید: با این حساب آیا بحث شما این است که این ارگان‌های مختلف حکومت همه منحل شوند و تنها یک ارگان در مورد حقوق بخش‌های مختلف کارگران تصمیم‌گیری کند؟

اصغر کریمی: باید اینطور می‌بود. اما این خواستی نیست که عملی باشد. اصلاً بحث این نیست که حکومتی که سراپا با اکثریت جامعه دشمنی دارد و مردم در حال مبارزه برای سرنگونی آن هستند فلان ارگانش‌هایش را منحل کند. بحث این است که اکثریت جامعه که معلم، کارگر، پرستار و بازنشسته و کارگر بیکار و خانواده‌هایشان هستند یکپارچه برای افزایش حقوق مبارزه کنند. از طرف دیگر تشکیل اتحادیه و سندیکا و شورا و هر نوع تشکلی را هم همین اقلیت حاکم ممنوع کرده است تا طبقه کارگر فاقد شکل‌های سراسری برای مقابله با تصمیمات یکطرفه حکومت باشد. الان بحثی در محافل کارگری هست که می‌گویند حداقل

دستمزد سال ۱۴۰۴ باید ۶۰ میلیون باشد. می‌توان با همین خواست به مبارزه متحدانه‌ای دست زد و این خواست را به پرچم همه بخش‌های طبقه کارگر، اعم از کارگران تولیدی و خدماتی، معلم و بازنشسته و کادر درمان و کارکنان ادارات تبدیل کرد.

کیوان جاوید: آیا مبارزه برای افزایش دستمزد کارگران فقط به خود کارگران مربوط می‌شود چگونه می‌توان جنبشی سراسری و قدرتمند برای افزایش دستمزد همه بخش‌های زحمتکش جامعه شکل داد؟

اصغر کریمی: نباید کارگران را در این مبارزه تنها

گذاشت. جامعه‌ای که علیه حجاب اجباری، علیه اعدام یا علیه حکومت متحد شده است، می‌تواند علیه این دستمزدهای شرم‌آور نیز متحد شود. این دستمزدها منشاء مصائب اجتماعی عظیمی از اعتیاد و تن‌فروشی و خودکشی و هزار مصیبت دیگر است. باید کل جامعه علیه آن بلند شود و جبهه قدرتمندی را علیه انگل‌های حاکم شکل بدهد. این هم قدرت مبارزه برای افزایش دستمزد را بالا می‌برد هم جبهه سرنگونی را مستقیماً تقویت می‌کند. میلیون‌ها دانشجو و دانش‌آموز، فعالین حقوق زن، هنرمندان آزاده، نویسندگان و وکلا و دادخواهان و همه مردم سرنگونی‌طلب باید خود را در این مبارزه شریک بدانند. همه آنها می‌توانند در بیانیه‌ها و تجمعات بعنوان مثال شعار حداقل حقوق‌ها بالای ۶۰ میلیون

را مطرح کنند.

کیوان جاوید: می‌گویید دستمزدهای میلیون‌ها نفر باید چند برابر شود. امکانات فعلی جامعه برای اینکار کفایت می‌کند؟

اصغر کریمی: اگر پول‌های هنگفتی که صرف گله‌آخوند و دم و دستگاه مذهب یا صرف تسلیحات و سرکوب و جاسوسی علیه مردم، صرف گروه‌های اسلامی در منطقه و صرف فساد و دزدی و حقوق‌های نجومی خودی‌هایشان می‌شود قطع شود، بله می‌توان دستمزدها را چندین بار بالا برد. قطع همه این هزینه‌ها را باید به خواست سراسری جامعه تبدیل کرد. بعلاوه اگر حکومت مدعی است که

بحران دارد و تحریم است و وضعیتش خراب است و
امکانش را ندارد باید گفت گورتان را گم کنید ما
جامعه را به شکل دیگری سازمان می‌دهیم که رفاه
همگان تامین شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال